

یادداشت

یارانه نقدی، از اختیار تا اجبار



محمد ابراهیمی
کارشناس منابع
پایین دستی نفت

• مدت زیادی از وعده «آوردن پول نفت بر سر سفره‌های مردم» می‌گذرد. این عبارت به تدریج جای خود را در ادبیات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور باز کرد.

هر بار که دولت‌ها در آستانه تغییر قرار می‌گرفتند، شعارهایی از این دست نیز به گوش می‌رسید؛ اما در این‌میان یک فرد قاطعانه‌تر از همه از «حق بهره‌مندی مردم از پول فروش نفت» سخن به میان می‌آورد.

محمود احمدی‌نژاد که به‌خوبی از تمشیت امورات کشور به‌واسطه فروش نفت آگاه بود و نیک می‌دانست که زندگی جامعه ایرانی با نفت می‌گذرد، به این اندازه از وابستگی قانع نبود؛ بنابراین با اعلام طرح تحول اقتصادی و وعده پرداخت یارانه نقدی، در سال ۱۳۸۹ «قانون هدمفندکردن یارانه‌ها» را به مرحله اجرا درآورد.

این قانون فارغ از تمام بندها و تبصره‌هایش، به دولت اجازه می‌داد از محل اصلاح قیمت حامل‌های انرژی شامل بنزین، نفت‌گاز، نفت سفید، نفت کوره، گاز مایع و سایر مشتقات نفتی (پس از کسر هزینه‌های انتقال، توزیع، فروش و مالیات) و اصلاح قیمت آب و برق و گاز، صرفاً تا میزان ۵۰ درصد از خالص وجوه حاصل از اجرای قانون را به یارانه نقدی و غیرنقدی خانوارها تخصیص دهد و ۳۰ درصد وجوه دریافتی را نیز به امور تولیدی اختصاص دهد. به‌هرحال قانون هدمفندکردن یارانه‌ها مصوب ۱۵ادی ۱۳۸۸ و اصلاحیه بعد از آن، به بخشی جدایی‌ناپذیر از سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی کشور الصاق شد؛ به‌طوری‌که هرگونه تغییر در نحوه، زمان و کیفیت پرداخت یارانه‌های نقدی با حسیاسیت دولت‌ها همراه است.

در دسرهای پرداخت نقدی یارانه‌ها

اگرچه دولت در زمان اجرای قانون ادعا می‌کرد با افزایش قیمت حامل‌های انرژی، منابع کافی برای پرداخت یارانه نقدی و یارانه تولیدی‌ها تأمین می‌شود؛ اما در دسرهای تأمین منابع از همان آغاز کار مشکل‌افزین شد و دولت وقت را ناگزیر کرد برای تأمین نقدینگی یارانه مردم، سراغ حساب بانک‌ها نزد بانک مرکزی برود.

دست‌اندازی به این وجوه در همان زمان هم مورد اشکال کارشناسان قرار گرفت؛ به‌طوری‌که رئیس وقت کمیسیون طرح تحول اقتصادی مجلس در اوایل فروردین سال ۱۳۹۱ با بیان اینکه دولت شبانه از پول مردم برای پرداخت یارانه‌ها برداشت کرده، گفت: دولت در چند مدت اخیر ۹ هزار میلیارد تومان «استقراض از بانک مرکزی» برای پرداخت یارانه نقدی داشته است.

با پایان یافتن عمر دولتی که خود بنیان‌گذار پرداخت یارانه نقدی بود و روی‌کارآمدن دولت یازدهم، نگرانی‌های چگونگی تأمین منابع نقدی یارانه‌ها تشدید شد و مقامات دولتی یکی پس از دیگری بر دشواری ایفای تعهدات نقدی تأکید کردند. نقطه اوج این نگرانی‌ها، اظهارات وزیر اقتصاد دولت تدبیر و امید بود که با اشاره به بار مالی پرداخت یارانه‌ها (در شرایطی که دولت با دشواری منابع درآمدی خود را محقق می‌کند)، شب‌های پرداخت یارانه‌های نقدی را شب «مصیبت عظمای دولت» دانست؛ مصیبت عظمایی که با گذر زمان نه‌تنها مشقتش کمتر نشد، بلکه روزه‌روز بر دشواری‌های آن افزوده شد.

تکلیف و مسئولیت دولت در سال ۱۳۹۵ در قبال یارانه‌بگیرها

براساس تبصره (۱۴) قانون بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور، دولت مجاز شد در اجرای قانون هدمفندکردن یارانه‌ها، منابع مالی حاصل از اصلاح قیمت کالاها و خدمات موضوع قانون یادشده تا مبلغ ۴۸۰ هزار میلیارد ریال و ردیف‌های یارانه‌ای این قانون را به استفاده از انواع روش‌های پرداخت نقدی و غیرنقدی به خانوارهای هدف و نیازمند، توزیع و همچنین برای ارائه خدمات حمایتی و کمک به بخش تولید اقدام کند و از طرفی اقدامات لازم را برای حذف سه دهک از درآمدهای بالای کشور به‌کار ببندد.

با این حساب، دولت براساس «بودجه» مکلف است ماهانه ۴۰ هزار میلیارد ریال یارانه پرداخت کند که بنابر اظهارات رئیس سازمان برنامه و بودجه، در سال ۱۳۹۵ ماهانه رقمی حدود ۳۴ هزار میلیارد ریال آن را به صورت نقدی به ۷۷ میلیون ایرانی پرداخت کرده است.

محل تأمین یارانه‌های نقدی در سال ۱۳۹۵
براساس قانون وزارتخانه‌های نفت و نیرو مکلف بودند منابع نقد مورد نیاز دولت برای پرداخت یارانه‌ها را پرداخت کنند.

ادامه در صفحه ۱۵

آری، هر سال بر نابرابری افزوده می‌شود. در گزارش‌های که در ابتدای سال ۲۰۱۶ سازمان آکسفام منتشر کرد، ۶۲ نفر در سال ۲۰۱۵، ثروتی برابر با ثروت کل نیمه فقیر جهان داشتند. حدود یک سال بعد؛ یعنی اوایل ۲۰۱۷، در گزارش مربوط به سال ۲۰۱۶، آکسفام اعلام کرد که هشت نفر صاحب ثروتی برابر با ثروت نیمی از انسان‌های کره زمین (یعنی سه میلیارد و ۸۰۰ میلیون نفر) هستند. بر اساس داده‌های کنونی و منابع محاسباتی که مورد استفاده آکسفام قرار گرفته، این تعداد اکنون به شش نفر تقلیل یافته است.

افزایش افسارگسیخته و فاحش در نابرابری جهانی از چه ناشی شده است؟

این وضع به دو دلیل تشدید شده است: ۱) فقیرترین نیمه مردم جهان (و بی‌شمار افراد دیگر) به طور مستمر ثروت خود را از دست می‌دهند، ۲) ثروتمندترین اشخاص – به‌ویژه هزار نفر ثروتمندترین افراد جهان– به افزایش میلیاردری ثروت‌های نجومی خود ادامه می‌دهند. کسانی که نابرابری را انکار کرده یا بر لاپوشانی آن تأکید دارند، متدولوزی محاسباتی آکسفام را مخدوش می‌دانند. آنها به این مسئله توجه ندارند که مسئله بر سر شش یا هشت یا ۶۲ یا هزار نفر نیست. داده‌های کرдит سونیس (Global Wealth Databook)، و فهرست میلیاردرهای فوربز (Forbes Billionaire List)، بهترین ابزار آشکارسازی روند افزایش نابرابری هستند که سال به سال مصیبت‌بارتر می‌شود.

چگونه تنها در یک سال ۶۲ نفر به شش نفر کاهش یافت؟

براساس گزارش منتشرشده در فوریه ۲۰۱۷، شش نفر ثروتمندترین اشخاص (همگی مرد) بیش از ۴۱۲ میلیارد دلار ثروت دارند. جداول GWD نشان می‌دهند که ثروت پنج دهک فقیرترین مردم دنیا ۰۰۱۶، درصد از کل ۲۵۶ تریلیون دلار ثروت جهان – یعنی ۴۱۰ میلیارد دلار– است. این ارقام مربوط به داده‌های نیمه اول سال ۲۰۱۶ است. از آنجایی‌که وضعیت ۵۰ درصد فقیرترین مردم جهان نه‌تنها بهبود نیافته؛ بلکه وخیم‌تر نیز شده است، در نتیجه هم بر میزان بدهی جهانی و هم به نابرابری کل افزوده شده است.

یک سال قبل در اول مارس ۲۰۱۶، ثروت این

اقتصاد



نابرابری در جهان دهشتناک شده است

۶ مساوی ۳,۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰

پل پوشیت • مترجم: هما کریمی‌راد

ثروتمندترین افراد، ۴۰۷۳ تریلیون دلار ثروت دارند. همان افراد هستند، تنها کمی جابه‌جا شدند و همچنان سلطان جهان‌اند: بیل گیتس، وارن بوفه، جف بزوس، آمانچیو اورتگا، مارک زاکربِرگ، کارلوس اسلیم هلو (با لاری الیسون بر سر رتبه ششم رقابت دارند). به ثروت این شش نفر تنها در یک سال ۶۹ میلیارد دلار اضافه شده است.

سال گذشته، یافته‌های سال ۲۰۱۵ به وسیله GWD، نشان می‌داد که ثروت نیمه فقیر جهان بسیار بیشتر از امروز– یعنی نزدیک به ۱۰۵ تریلیون دلار بود. در این مدت چه پیش آمد؟ خیلی روشن است، ۱۰ درصد ثروتمندترین افراد (بیش از همه، یک درصد ثروتمندترین ثروتمندان جهان)، نزدیک به چهار تریلیون دلار کسب کردند. به دیگر سخن، بقیه افراد جامعه بشری ثروت خود را از کف دادند.

جا دارد یک بار دیگر به قضیه نگاه کنیم. ثروت کل جهان حدود ۲۵۶ تریلیون دلار است و تنها در یک سال، ۱۰ درصد ثروتمندترین افراد، چهار تریلیون دلار از آن را از بقیه جامعه انسانی به جیب خود سرازیر کردند.

صحت فقط بر سر نیمه فقیر دنیا نیست، ۵۰۰ نفر – یعنی تعدادی را که حتی می‌توان در یک سالن نشاند، ثروتی بیش از ۷۰ درصد ثروت کل جهان دارند. طبق فهرست میلیاردرهای فوربز، ۵۰۰ نفر از

اضافه می‌شوند». این مسئله کاملاً نشان‌دهنده دوباره‌شدن طبقه متوسط در آمریکا و اضمحلال آن به طور مستمر است.

کسانی که منکر این شرایط هستند، نعل وارونه می‌زنند.

برخی رسانه‌ها مانند «بوستون گلوب» بر طبل «بی‌پایه» بودن تحلیل آکسفام می‌کوبند. برخی نیز مانند «رویترز» از آن به‌عنوان «آمارهای احمقانه» یاد می‌کنند.

بوستون گلوب ادعای حیرت‌انگیزی مطرح می‌کند: دال بر آنکه «همان‌طور که نظام سرمایه‌داری برای کسانی چون بیل گیتس، زاکر برگ و سایرین امکان بالارفتن از نردبان ترقی را فراهم کرد، میلیون‌ها زن و مرد دیگر نیز می‌توانند از پایین‌ترین درجات خود را بالا بکشند و مسئله‌ای نیست که میلیاردرهایی که آکسفام اعلام کرده، از قبل هم ثروتمندتر شده‌اند» و نویسنده نتیجه‌گیری می‌کند که این راهکاری است که فقر را به صورتی که می‌شناسیم از سیاره‌مان ریشه‌کن خواهد کرد. آیا سطح زندگی میلیاردها نفر ترقی خواهد کرد؟ همه ثروتمندتر می‌شوند؟ فقر ناپدید خواهد شد؟

به‌طور دائم از «خروج از فقر» و بهبود شرایط جهان می‌شنویم، غافل از آنکه دلیل اصلی بهبود اقتصاد جهانی در سنوات قبل مربوط به رشد بسیار سریع اقتصاد چین و چند کشور دیگر و همچنین محاسبات ریاضی خلاقانه سازمان ملل بوده است. ما خود می‌دانیم که بسیاری از آمریکایی‌ها «دارایی منفی» دارند؛ یعنی میزان بدهی آنها از دارایی‌شان بیشتر است. برای بینوایودن حتماً لازم نیست انسان در زاغه‌های جهان‌سوم زندگی کند.

درحالی‌که نابرابری، سراسر جهان و از جمله ایالات متحده را درمی‌نوردد، برخوردهای انکارگرایان هم همچنان ادامه دارد. تحلیلگر مؤسسه «کاتو» معتقد است: «حتی اگر نابرابری به همان سرعتی که منتقدان ادعا دارند رو به گسترش باشد، الزاماً به آن معنا نیست که فقر یک معضل است».

انکارگرایان تا چه زمانی می‌خواهند به‌جای برخورد با واقعیت، توجیهات مختلف ارائه کنند؟ آیا فقر معضل نیست؟

February 2017, Common Dreams

بانک مرکزی:

تورم تولیدکننده افزایش یافت

• بانک مرکزی از تداوم رشد نرخ تورم تولیدکننده در اسفند گذشته خبر داد و اعلام کرد: این شاخص در اسفند ۱۳۹۵ نسبت به ماه مشابه سال قبل، معادل ۹۰۱ درصد افزایش داشته است. تعیین شاخص بهای تولیدکننده و تأثیر آن بر اقتصاد، تفسیر متفاوتی را از «تورم مصرف‌کننده» دارد؛ درحالی‌که تورم مصرف‌کننده به معنی افزایش سطح عمومی قیمت‌ها تعبیر می‌شود، رشد تورم تولید به معنی خروج واحدهای تولیدی از شرایط رکودی است. از آنجاکه به زبان عام، تورم تولید قیمت محصول صنعتی در درب کارخانه و قیمت محصول کشاورزی از مزرعه تعبیر می‌شود؛ اینکه شاخص بهای تولیدکننده منفی نشود، به این معنی است که بازار برای کالای تولیدی وجود دارد و تولیدکننده مجبور نیست آن را با قیمت پایین‌تر بفروشد. البته در بخش خدمات به دلیل اتکه واسطه‌چندانی بین فروشنده و خریدار خدمت وجود ندارد، به طور عموم تورم تولید و مصرف اغلب یکسان‌اند. ارزیابی‌های بانک مرکزی از شاخص تورم تولیدکننده در اسفند گذشته، بیانگر آن است که این شاخص بر اساس سال پایه ۱۰۰=۱۳۹۰ در ۱۲ ماه منتهی به اسفند ۱۳۹۵ نسبت به ۱۲ ماه منتهی به اسفند ۱۳۹۴ به میزان پنج درصد افزایش یافته است. همچنین شاخص بهای تولیدکننده در ایران در اسفند ۱۳۹۵ به عدد ۲۳۵۰۴ رسید که نسبت به ماه قبل (بهم)، هفت‌دهم درصد افزایش داشته است. شاخص یادشده در اسفند ۱۳۹۵ نسبت به ماه مشابه سال قبل، معادل ۹۰۱ درصد افزایش نشان می‌دهد.

تغییر ماهانه شاخص تورم تولید

بر اساس ارزیابی بانک مرکزی، تورم تولید در اسفند و در گروه‌های اصلی «کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری» یک درصد، «ساخت (صنعت)» ۰۸ درصد، «هتل و رستوران» ۲۰۲ درصد، «آموزش» ۰۱ درصد، «بهداشت و مددکاری اجتماعی» ۰۸ درصد و «سایر فعالیت‌های خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی» ۱۰۴ درصد نسبت به بهمن گذشته رشد داشته و در گروه «اطلاعات و ارتباطات» ۰۱ درصد افت کرده است. این در حالی است که این شاخص در گروه «حمل و نقل و انبارداری» هیچ تغییری ثبت نکرده است و در گروه اختصاصی «خدمات» نیز ۰۳ درصد رشد را ثبت کرد.

ریش تراش شماره یک دنیا برای بهترین بابای دنیا

*فیلیپس با پیشنهاد های ویژه روز پدر را تبریک می گوید

blog.shekofaelectric.com
philimen.ir

شکوفای الکتریک سرویس
نماینده رسمی خدمات روز خاصگی و شخصی فیلیپس
تلفن: ۰۲۱-۲۸۱۵۰۰۰۰
www.shekofa.ir